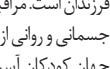




مراقبت از کودکان در دنیای نامن بز گس لان



● از کار کردهای مهم خانواده، تولیدمثل، حفاظت، مراقبت و تأمین امنیت و ایجاد زمینه رشد همه‌جانبه فرزندان است. مراقبت و امنیت لازم برای ادامه زندگی سالم جسمانی و روانی از وظایف مهم خانواده است. در همه‌جای جهان کودکان آسیب‌پذیرترین و ضعیف‌ترین قشر جامعه هستند که بدون مراقبت لازم، قادر به ادامه حیات نخواهند بود.بی‌دلیل نیست که سازمان ملل بخشی از کار خود را به حمایت از حقوق کودک اختصاص داده و سعی کرده توجه بشریت را به شکننده و بی‌پناهیوں آنها در نبود حمایت‌های خانواده‌گی، اجتماعی و جهانی جلب کند. ما همواره شاهد آسیب‌های جان‌گداز کودکان معصوم در دور نزدیک خود بودهایم، از آسیب‌های جبران‌ناپذیر در جنگ‌ها، زلزله و ویرانی‌های طبیعی که کودکان به‌راحتی می‌توانند طعمه تاجران انسان شوند تا کودکان کار که تا نیمی از سبب با دندان‌های به‌هم خورده و تن نحیفشان، فال و دستمال می‌فروشدند و ما از کنارشان می‌گذریم، شاید زیر لب بگوئیم چه می‌توان کرد؟ اما موضوع دیگری وجود دارد که نمی‌توان در برابر آن گفت چه می‌توانم بکنم و آن مراقبت والدین از کودکان خودشان است. یک سهل‌انگاری کوچک می‌تواند فاجعبار باشد. والدین باید بدانند کودکان، دنیا را با دیدگاه ساده و صلح‌آمیز خودشان از زیبایی می‌کنند. آنان از درک دیدگاه دیگران عاجز هستند و با این ساده‌اندیشی که جهان همان‌گونه‌است که آنها می‌بینند وارد جهان پیرامون خود می‌شوند. از نظر پیاژه، تفکر کودکان از نظر کیفی با بزرگ‌تراها متفاوت است و شیوه احساس و تعبیر کودک از جهان با فرد بزرگسال فرق دارد. مفهوم خطر برای کودکان، مخصوصا قبل از ۱۱ سالگی ملموس و قابل‌درک نیست و همان‌گونه که یک بزرگسال خطر را درک می‌کند، آن را درک نمی‌کند و فقط به شکل طولی‌وار آن را می‌آموزد بدون اینکه علایم و معنای نزدیک‌شدن افراد مشکوک و خلافکار را بفهمد. پس والدین نمی‌توانند به این امید که یک کودک گوشزد کرده‌اند بیرون خطرناک است و نباید از جلو خانه دور شوند، آنها را با خیال آسوده برای بازی در کوچه یا خرید از سوپرمارکت محله، گذاشتن زیله دم در و... بفرستند. والدین باید به عنوان تنها نگهبان کودکان خود در خانه و بیرون از منزل وظایف سنگین خود را ایفا کنند. تابستان در راه است و کودکان فارغ از درس و مشق، شاید تنها سرگرمی‌شان بازی با بچه‌های محله باشد و این حق طبیعی آنهاست تا سبکبال و به‌دور از سایه مرگبار فحاشان و بیماران روانی و ضد اجتماعی و قربانیان فقر که به طور غریزی برای بقای خود دستت تعرض به سسوی کودکان یک پناه دراز می‌کنند، رها از حصار زندگی آپارتمانی‌شان در کوچه‌ها بپوندن و فریادکنان، اثری خود را با خنده و بازی تخلیه کنند اما چه می‌شود کرد که دنیای ناامن امروز ما چنین حقی به کودکان نهد.میباید با توجه به شرایط اجتماعی و واقع‌بینی بیشتر از کودکان خود مراقبت کنیم.



● ایستة روابطعمومی دانشگاه زنجان درباره حادثه «درگیری منجر به ضرب و جرح میان یک استاد و دانش‌جویش» توضیحاتی ارائه کرد. روابطعمومی این دانشگاه اعلام کرد: ضمن ابراز تأسف از درگیری پیش‌آمده و خدشه‌دار شدن حریم علمی، فرهنگی دانشگاه و نیز ابهام‌های ایجادشده بر اثر انعکاس ناقصی و یکجانبه حادثه در برخی رسانه‌ها، خواهشمند است است برای تنویر افکار عمومی و نیز جلوگیری از هرگونه تضییع حق استاد و دانشجو و حفظ شأن و حرمت دانشگاه و نهاد علم، ضمن پرهیز از درج گزینشی و ناقص برخی جنبه‌های موضوع، به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی شود که حادثه مزبور هم از سوی مراجع صلاحیت‌دار مجموعه دانشگاه و وزارت علوم و هم از سوی مراجع ذی‌صلاح قضایی و انتظامی در دست رسیدگی است و این رسیدگی‌ها به‌گونه‌ای خواهند بود که ضمن برخوردی بی‌اغماض با خطاهای صورت‌گرفته،از تضییع هرگونه حقی از طرفین این درگیری پرهیز به عمل آید»

کلاهبرداری میلیونی با جعل عنوان

● پلیس خبر: فردی که با معرفی خود به عنوان مامور یکی از دستگاه‌های اداری به‌پهانه انجام کارهای مردم مبلغ میلیونی از آنهاخذ و کلاهبرداری می‌کرد، دستگیر شد. «سرنگ غلامعباس بلفکه» فرمانده انتظامی شهرستان شاهیمن شهر و معتمد اصفهان با اعلام این خبر اظهار کرد: در پی شکایت تعدادی از مردم از فردی مبنی بر اینکه وی از آنان مبلغ میلیونی به‌پهانه انجام کارهای اداری اخذ کرده و سپس متواری شده است، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی افزود: مشخص شد متهم با ظاهرسازی و معرفی جعلی خود به عنوان مامور یکی از دستگاه‌های اداری از شهروندی مبلغ ۲۰۰میلیون‌ریال وجه اخذ و در چند مورد دیگر نیز مبالغی بین یکمیلیون و ۵۰۰هزارریال تا ۱۰میلیون‌ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده است. «سرنگ بلفکه» ادامه داد: مأموران با شناسایی محل اختفای متهم، وی را با هماهنگی قضایی دستگیر کردند.این مقام انتظامی عنوان کرد: در بازرسی از مخفیگاه متهم کمک‌تری تقلبی و تعداد زیادی اوراق و مدارک دولتی جعلی کشف و ضبط شد.

شرق:محاکمه مرد کارتن‌خوابی که به‌خاطر عشق به دختری جوان، دوستش را کشته بود در دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد. به گزارش خبرنگار ما، جوان کارتن خواب که فراز نام دارد، وقتی دید دوستش شاهرخ، به جان دخترش موردعلاقه‌اش به نام بهناز افتاده، با ضربه چاقو او را به قتل رساند. این پرونده با گزارش یکی از کارتن‌خواب‌های شهریار تشکیل شد. این فرد با پلیس تماس گرفت و گفت مردی به نام شاهرخ کشته شده است. وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، متوجه شدند قبل از قتل شاهرخ، درگیری شدیدی بین او و فرد ضارب اتفاق افتاده بود. بنابراین همه کسانی را که در صحنه قتل بودند به اداره آگاهی منتقل کردند و جسد را هم به پزشکی‌قانونی فرستادند. چند نفر از شاهدان در بازجویی‌ها گفتند می‌دانند ضارب جوانی به نام فراز است که چون خانه‌ای نداشت از مدت‌ها قبل شب‌ها در خیابان‌های نزدیک محل وقوع جرم می‌خوابید. یکی از شاهدان گفت: شاهرخ را دیدیم که با بهناز دعوا می‌کرد و او را کتک می‌زد. ما سعی کردیم بهناز را از دست شاهرخ نجات دهیم اما نتوانستیم. فراز اول متوجه درگیری نشد اما وقتی دید بهناز کتک می‌خورد یکدفعه به سمت شاهرخ حمله کرد و با چاقو به او یک ضربه زد بعد هم فرار کرد و رفت.

از آنجایی که درگیری به خاطر بهناز اتفاق افتاده بود، دختر جوان مورد بازجویی قرار گرفت. او گفت: من و فراز مدتی بود که با هم رابطه داشتیم. هر دو کارتن‌خواب بودیم البته من بیشتر شب‌ها جای دیگری بودم و فقط هرازگاهی برای بچه‌ها مواد می‌آوردم. آن روز شاهرخ از من مواد خواست، ندادم. گفتم تا پول‌هایی را که به من بدهکاری نپارازی دیگر مواد نمی‌دهم. شاهرخ عصبانی شد. او فکر می‌کرد من همراه خودم مواد آورده‌ام برای اینکه آن را از من ب‌دزد به سمت حمله کرد و کتک‌زد. زورم به شاهرخ نمی‌رسید و دردم می‌آمد. جیغ کشیدم و کمک خواستم. فراز با صدای من متوجه درگیری شد و جلو آمد. او برای اینکه مرا از زیر کتک‌های شاهرخ بیرون بکشد به سمتش حمله و با ضربه چاقو شاهرخ را که داشت به من مشت می‌کوبید، متوقف کرد.

شرق: مردی که ۱۰ سال قبل در جریان سرقت از مغازه طلافروشی مرتکب قتل شده و صاحب مغازه و همدمش را کشته بود، سرانجام شناسایی و دستگیر شد. مرد طلافروشی بعدازظهر هفتم بهمن سال ۸۲، در مغازه‌اش در مشکین‌شهر کرج در حال انجام کارهای روزانه‌اش بود که دو مرد که نقل بر صورت و کلاشینکف در دست داشتند وارد زرگری شدند و به‌محض رودرویی با طلافروش شروع به تیراندازی کردند. در جریان این درگیری مرد جواهرفروش و یکی از سارقان مسلح زخمی شدند و روی زمین افتادند. سارق دوم با دیدن این صحنه، مقداری از طلاهای موجود در مغازه را برداشت و به سرعت از آنجا خارج شد. شاهدان این سرقت خونین بلافاصله در تماس با پلیس موضوع را گزارش دادند و دقایقی بعد گروهی از مأموران با حضور در محل حادثه تحقیقات خود را آغاز کردند. آنها فهمیدند صاحب مغازه و یکی از سارقان در حالی‌که سلاخی کنارش افتاده است، جان خود را از دست داده‌اند. بررسی‌های اولیه فاش کرد هر دو مرد با سلاخی که در دست مرد فراری است از پا درآمده‌اند. در این بین شاهدان توضیح دادند دزدی نقاب‌پوش بعد از خروج از مغازه سوار پراید بشمی‌رنگی شد و به‌سرعت گریخت. شاهدان گفتند چهره سارق را ندیدند اما

حوادث

پایان خونین عشق دختر و پسر کارتن‌خواب

مرد کارتن خواب در حمایت از دختر جوان، دوستش را کشت



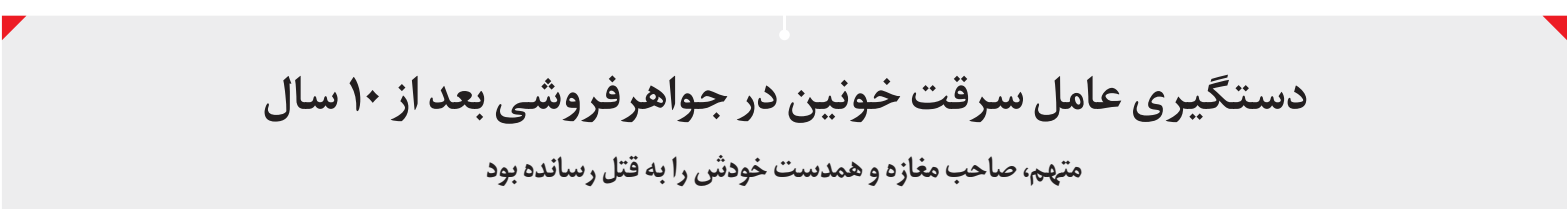
بهناز ادامه داد: فراز وقتی که دید چاقو به گردن شاهرخ برخورد کرده است و خون زیادی از بدنش بیرون می‌ریزد فرار کرد. از آنجایی که فراز محل ثابتی برای اقامت نداشت، مأموران نمی‌دانستند باید کجا دنبال او بگردند. بنابراین دستگیری وی با مشکل مواجه شد. این در حالی بود که خانواده شاهرخ نیز شکایت خود را به مأموران ارائه کرده بودند. همسر شاهرخ به مأموران گفت: شوهرم کارگر بود و ما یک بچه داشتیم. با اینکه به من خیلی رسیدگی نمی‌کرد و حتی حاضر نبود برای بچه شناسنامه

بگیرد اما به هر حال پدر بچه‌ام بود. من از فراز شکایت دارم و درخواست دارم او را مجازات کنید.

همچنین پزشکی‌قانونی اعلام کرد مرگ شاهرخ به خاطر اصابت جسم نوک‌تیز به ناحیه گردن و قطع شاهرگ او بوده است. در نهایت عکس فراز به‌عنوان متهم در اختیار تمامی واحدهای انتظامی قرار گرفت و مأموران با گذشت دو ماه از حادثه نتوانستند فراز را در حاشیه تهران شناسایی و بازداشت کنند.

فراز بعد از دستگیری به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: چند ماه قبل با دختری به نام بهناز آشنا شدم. او هم مثل من فقیر بود اما قلب بزرگی داشت. خیلی مهربان بود. با اینکه مجبور بود برای تأمین هزینه‌های زندگی‌اش موادفروشی کند اما دختر پاکی بود. رابطه من و بهناز جدی‌تر و عشق من نسبت به او عمیق‌تر شد. با اینکه بهناز می‌دانست آنقدر فقیر هستم که نمی‌توانم برایش خانه‌ای تهیه کنم و خانه ما خیابان است اما به من وفادار بود. هروقت برایم مواد می‌آورد پولش را از من نمی‌گرفت چون می‌دانست پولی ندارم. تا اینکه روز حادثه صدای فریادهایش را شنیدم. من آدم آرامی بودم و زندگی در خیابان به من یاد داده بود در کار دیگران دخالت نکنم، اما وقتی پای بهناز وسط بود اصلا نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم. وقتی صدای فریادهایش را شنیدم و متوجه شدم شاهرخ به دلیل مواد به جانش افتاده است و او را می‌زند، نتوانستم آرام بنشینم. با چاقویی که داشتم به سمت شاهرخ حمله کردم. او به من فحش داد و همچنان بهناز را کتک می‌زد من هم با چاقو یک ضربه به او زدم. اصلا نمی‌خواستم او را بکشم و فقط می‌خواستم یک ضربه به بدنش بزنم تا بتوانم او را از بهناز دور کنم.

بعد از پایان جلسات بازجویی و بازسازی صحنه قتل کیفرخواست علیه متهم صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشت بعد از تشکیل جلسه دادگاه و بعد از اینکه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و درخواست صدور حکم قانونی کرد، قضات به دلیل پاره‌ای نواقص در پرونده ادامه رسیدگی به آن را به بعد موکول کردند.



مجتبی به‌قصد رفتن به تهران خانه‌اش را ترک کرده و دیگر خبری از وی نشده است. مأموران با شنیدن این اظهارات فهمیدند سارق فراری همان مجتبی است. حتی همین سبب به خانه او رفتند اما مطلع شدند وی در منزل حضور ندارد و هیچ‌یک از اقوام هم نمی‌دانند او در کجا پنهان شده است.

جست‌وجوها برای دستگیری مجتبی بی‌فایده ماند تا اینکه مشخصات و عکس او در اختیار پلیس سراسر کشور قرار گرفت. در همان ماه‌های اول چند بار ردی از قاتل فراری به دست آمد اما هر دفعه او پیش از آنکه مأموران به مخفیگاهش برسند از آنجا گریخته و تغییر مکان داده بود تا اینکه اخباری به دست آمد مبنی بر اینکه مجتبی از مرزهای غربی کشور خارج شده و به یکی از کشورهای همسایه گریخته است. به این ترتیب تحقیقات پلیس برای دستگیری وی به بن‌بست رسید. با وجود این، پلیس ایران مشخصات مجرم فراری را در اختیار اینترپل قرار دا تا بلکه وی در خارج از مرزها دستگیر شود اما این کار هم نتیجه‌بخش نبود. کارآگاهان سرانجام اوایل امسال باخبر شدند مجتبی به ایران بازگشته و ردپای او در جریان سرقتی در جنوب کشور به‌دست آمده است. مأموران به محض اطلاع از این موضوع راهی جنوب شدند و در تحقیقات تکمیلی

ارزان‌تر از من بدهد و این کار او بازارم را خراب می‌کرد. برای همین با وی مشاجره کردم و گفتم او را با چاقو می‌زنم، فکر کرد شوخی می‌کنم، چاقو را بیرون کشیدم و جلو آمد و من را زد. من هم چاقو را به بدنش زدم. قسمد این نبود که او را بکشم و فقط می‌خواستم دیگر آنجا بساط نداشته باشد. با اینکه متهم به‌صورت غیابی محاکمه و به قصاص محکوم شده، به دلیل اینکه حکم به‌صورت غیابی صادر شده بود او درخواست‌واخواهی کرد و این خواسته پذیرفته شد. بنابراین یکبار دیگر کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته هرچند جلسه رسیدگی تشکیل شد، به دلیل اینکه همه اولیای‌دم در دادگاه حاضر نشده بودند، قرار شد محاکمه در آینده برگزار شود.



● ایستة پدر «عسل بدیعی» در نامه‌ای به پدر «امید عباسی» (آتش‌نشان فداکار) ابراز امیدواری کرد اهدای عضو در جامعه شایع و مرسوم شود. شاهرخ بدیعی پدر «عسل بدیعی» در نامه‌ای به پدر «امید عباسی»، آتش‌نشان فداکاری که پس از مصدومیت در عملیات نجات دختر هفت ساله‌ای، اعضای بدن او اهدا شد، ضمن ستودن «شهامت و از خودگذشتگی» این خانواده، تأکید کرد: افتخار اهدای عضو برای خانواده‌بدیعی و عباسی ابدی خواهد بود. شاهرخ بدیعی در این نامه، آورده است: «جناب آقای عباسی: پدر گرامی شهید گرانقدر امیدعباسی، آتش‌نشان فداکار و بزرگوار، درود خداوند بر فرزند دلاور و بزرگمش شما و خانواده گرامی و ایثارگرتان. این پیام همدردی و تسلی پدری دردمند برای شمامست که همچون شما، شهید کرامت انسانی فرزندش را در مقام اهدای عضو چشیده. پدر «عسل‌بانو»، پلوی هنرمند سیمیا و سینمای ایران که ۵۱ روز قبل با مرگ مغزی به دیدار معبود خود شناخت و با اهدای هفت عضو اصلی، جان دوباره‌ای به هفت انسان نیازمند به پیوند عضو بخشید و انسان‌هایی را نیز توان دوباره دیدن، زندگی و فعالیت داد. جناب آقای عباسی، مادر دناغز، همسر داندیده و برادر ارجمندش، قطعا بخشش و هدیه‌دادن جزو ذات مقدس احدیت است و این موهبت به‌لطف پرورگار در وجود انسان‌های خاص به‌ودیت گذاشته می‌شود؛ بندگانی که قطعا بیشتر مورد عنایت خداوندی هستند و مسلما «امید» بزرگوار و شجاع و از جان گذشته شما نیز از این دسته بندگان محرم به درگاه خداوند بود که با شهامت و از خودگذشتگی در زمان حیات پرافتخارش انسان‌های زیادی را نجات داد که نمونه‌اش همین دختر کوچک و معصوم بود و پس از درگذشت شهادت‌گوناخ‌ش نیز با لطف و گذشت و بخشش شما و اهدای اعضا، نسوج و مغز استخوان، باعث نجات و بازگشت به زندگی تعدادی از هموطنان نیازمند پیوند عضو شد. با تبریک شهادت و تسلیت فقدان این بزرگوار پرافتخار، اطمینان‌خاطر دارم، برای شما و من و خانواده‌هایمان این افتخار ابدی است، جایگاه فرزندان‌مان بهشت موعود است و مطمئنا در پیشگاه خداوند مهربان ضامن ما و شما خواهند بود. باشد که این راه (اهدای اعضا) که فرزندان ما پیومند، برهررو شود و این روش پسندیده با اقبال مردمی در جامعه شایع و مرسوم شود تا خدای‌کرده در صورت بروز مرگ مغزی عزیز، به‌جای از بین رفتن اعضای بدن فوت‌شده در خاک، خانواده آنان با اهدای اعضای قابل پیوند، به نجات جان انسان‌های دردمند مبادرت و افتخار ابدی برای خود و خانواده فراهم‌نماید.»

انهدام باند سارقان لوازم خودرو

● **شرق:** مأموران پلیس آگاهی استان بوشهر، سارقان حرفه‌ای داخل خودرو را دستگیر و ۵۰ فقره سرقت را کشف کردند. سرهنگ «حسن بارونی» ریس پلیس آگاهی استان بوشهر با بیان این مطلب افزود: مأموران در پی وقوع چندین فقره سرقت داخل خودرو، ضمن تشدید اقدامات کنترلی و افزایش گشت‌های آشکار و پنهان، موفق شدند دو نفر را شناسایی و آنها را در عملیات ضربتی فاگلگیر و دستگیر کنند. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه متهمان دستگیرشده پس از انتقال به پلیس آگاهی با مواجهه دلایل غیرقابل انکار پلیس به سرقت‌های متعدد داخل خودرو در سطح شهر اعتراف کردند، تصریح کرد: از متهمان مقداری لوازم و مدارک مسروقه کشف و ضبط شد. این مقام انتظامی خاطرنشان کرد: برخی مالباختگان شناسایی شدند و تلاش برای شناسایی دیگر مالباختگان همچنان ادامه دارد. بنابر این گزارش متهمان کاتئون به ۵۰ فقره سرقت داخل خودرو اعتراف کرده‌اند و به دستور مقام قضایی برای تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی قرار دارند.

نجات زایر ایرانی از مرگ در مکه

● ایستة نماینده مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت اهل‌حرام در مکه مکرمه از نجات جان زایر ایرانی خبر داد. دکتر ششمشادی گفت: زایر ۶۳ساله‌ای به نام «عظم» اهل تهران و ساکن هتل جرابندالامصلل مکه مکرمه به‌هنگام بازگشت از اعمال حج در ساعت هشت صبح دیروز در اتوبوس و روبه‌روی در هتل بیهوش شد. وی افزود: با اعلام این خبر به فوریت تیم پزشکی مستقر در درمانگاه حضرت زهرا(س)، آنها به طرف اتوبوس رفتند و پس از بازکردن راه هوایی، بیمار را به داخل درمانگاه و اتاق احیا منتقل کردند. ششمشادی با بیان اینکه در کادر درمانی حاضر در شفیت درمانگاه، فوق تخصص قلب وجود داشت و اقدام به احیای زایر کرد، تصریح کرد: پس از هفتم‌ربه شوک و داروهای مورد نیاز، این زایر ایرانی خانه خدا به حیات بازگشت.

بریده اخبار

اعضای باند زورگیری از سالمندان که تحت پوشش راننده آژانس، اخاذی می‌کردند، توسط مأموران پلیس تهران دستگیر شدند.
یکی از مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی شاه‌رود، پنج‌میلیون تومان وجه‌تقد به صاحبش برگرداند.
۹عضو باند سرقت که با سه‌دستگاه کامیون، ۱۲تن آهن آلات ریلی را در ایستگاه‌های راه‌آهن استان تهران سرقت کرده بودند، دستگیر شدند.
سه سارق حرفه‌ای که اقدام به سرقت کابل‌های برق اصفهان می‌کردند، پس از دستگیری به ۶۰ فقره از این نوع سرقت اعتراف کردند.
قطار شهری مشهد دیروز در حد فاصل ایستگاه‌های وکیل آباد و کوهستان از ریل خارج شد در این حادثه کسی صدمه ندید